

هو الله - حمداً لمن يلاح برهانه و ظهر سلطانه و عم احسانه...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



٩٥

هو الله

حمداً لمن يلاح برهانه و ظهر سلطانه و عم احسانه و بانت محبته البيضاء و ظهر شريعته السمحاء و كشف الغطاء و اجزل في العطاء و سمح بالموهبة الكبرى و أتى بيوم اللقاء و جعل الغبراء غبطة للخضراء و اختار حقائق نورا و أفاض عليهم في مشهد الكبرياء نوراً استضاء به الأرض و السماء فانجذبت و اهتزت و انشاحت و خشعت و سجدت و توقدت بالشعلة النورانية و المهعة الرحمانية في شجرة سيناء في البقعة النوراء التي انتشرت منها نفحات تعطرت بها الارحاء و عبققت على الآفاق فأحيت قلوب أهل الوفاق و أنعشت أرواح أهل الاشراق. و البهاء و الثناء و التحية و العطاء على الجوهرة الفريدة العصماء و الدرّة الدرهرهة الزهراء و الهويّة المتشعشة البهراء الحقيقة الجامعة اللامعة القلزم الخضم الموج و الماء الطهور الثجاج الشجرة المباركة المقدسة التي أصلها ثابت و فرعها في السماء و تؤتي أكلها في كلّ حين.

الهي الهى ترانى واضعاً جيبني على تراب الذلّ و الانكسار و اعفر وجهي بغبار فناء أحديتك يا ربّي المختار خاضعاً خاشعاً متذلاً متضرعاً مبتهلاً الى ملكوت أنوارك في الليل و النهار ان تنظر الينا بعين عنايتك و لحظات طرف رحمانيتك و تغفر لنا ذنوبنا و خطايانا و تعاملنا بفضلك و جودك في كلّ الاحوال. ربنا انا خطاة و أنت الغفور



ORIGINAL



AUDIO

الرحيم. ونحن عصاة و أنت التواب الكريم فاغفر لنا ذنوبنا و اكشف عنا كروبنا و قدر لنا برحمتك الانقطاع عن الدنيا و الاشتغال بذكرك و الاشتغال بنار محبتك و المداومة في مشاهدة آياتك و معرفة كلماتك و الامعان في آثارك و الاقتباس من أنوارك.

ربّ ربّ هؤلاء عباد أخلصوا لوجهك و جوههم و انحصر في فضلک و عطائك سرورهم و حبورهم و اشدّ ظهورهم على طاعتك و قوا زورهم على عبادتک و اشرح صدورهم بنفحات قدسک و قدر لهم حضورهم في جنة لقاءک و اجعلهم عباداً يرتلون آيات التوحيد في مجامع ذکرك و يقتبسون أنوار التفريد من مشكاة فيضک و يجذبون الى جمالک. يخضعون لجلالک و يتركون ما دونک و يعتمدون على صوتک و عونک و يخضعون لكلمتک و يخشعون لأحبتک و ينشرون لنفحاتک و يكشفون لسبحاتک و يفهمون اشاراتک و يفرحون من بشارتک انک أنت المقتدر على ما تشاء تعطى ما تشاء و تمنع من تشاء و ترزق من تشاء بيدک الملك و الملکوت. انک أنت القويّ العزيز المحبوب.

ای احبای الهی و ای یاران عزیز عبدالبهاء جام میثاق سرشار است و فیض موهبت کوکب اشراق از جهان پنهان چون مه تابان ظاهر و باهر در آفاق. بارقه صبح هدی منتشر است و نیر فیض جمال ابهی مستمر و مشتمر صیت بزرگواری اسم اعظم بشرق و غرب رسیده و آوازه امر جمال قدم جنوب و شمال را احاطه کرده. نفحات قدس در مرور است و نسیم حیات در هبوب. کلمه الله مرتفع است و عزت ابدیه مکتشف سراج احدیت ساطع است و شعله رحمانیت لامع از جمیع اقطار نداء یا بهاء الأبهی بلند است و در خاور و باختر تعالیم الهی حیرت بخش هر هوشمند اوراق حوادث در افریک و امریک و اروپ بعضی بنعت و ستایش مشغول. و برخی بایقظا ملل مألوف و بحیرت موصوف که این امر بسیار خطیر و مخوف بعضی اظهار تعجب نمایند و برخی از شدت تأسف شکایت رانند قومی گویند که حضرت مسیح حین صعود در ظلش نفوسی معدوده بود با وجود این صیبتش جهان گیر گشت و آوازه اش بفلک اثیر رسید.

اما جمال قدم روحی لأحبائه الفداء حین صعود مات و الوف در ظلّ رایت عظمتش محشور دیگر معلوم است که در استقبال چه قیامتی بر پا خواهد شد و اعظم یاران حضرت روح پطرس عظیم بود. با وجود این پیش از صعود مضطرب گشت و بخوف و هراس افتاد اما اسم اعظم روحی لأحبائه الفداء هزاران نفوس در سبیلش رقص کمان کف زنان پا کویان جان فشانی نمودند و بمشهد فدا شتافتند. باری امور در این مرکز است دیگر معلوم است که احبای الهی الیوم چه سان جانفشانی باید نمایند و بتبلیغ محتجبین پردازند نشر رائحه طیبه کنند و شعله نورانیه بر افروزند و لمعه رحمانیه ظاهر نمایند.

ای یاران الهی بعد از عروج جمال رحمانی آیا سزاوار است دمی بیاسائیم و یا محفلی بیارائیم یا نفس راحتی بکشیم یا شهد مسرتی بچشیم یا سر ببالین آسایش بنیم و یا آرایش و آرایش جهان آفرینش بجوئیم لا و الله این نه شرط وفا

است و نه لایق و سزاوار. پس ای یاران بدل و جان آرزوی خدمت آستان نمائید و مانند راستان پاسبان عتبه رحمن گردید. و خدمت عتبه مقدسه نشر نفحات است. و بیان آیات بینات و عبودیت درگاه احدیت و بندگی بارگاه رحمانیت. ملاحظه فرمائید که یاران حضرت روح روحی له الفداء بعد از صعود بچه انقطاعی و انجذابی و اشتعالی باعلاء کلمه الله قیام نمودند از فضل حق امیدواریم که ما نیز پی آن پاکان گیریم و بقربانگاه عشق وجد کنان بشتابیم. اینست فضل موفور اینست موهبت حضرت ربّ غفور.

در این ایام در نشر تعالیم الهی در بعضی جهات قدری فتور حاصل و این سبب غم و اندوه ملاً اعلی گشته. زیرا اهل ملکوت ابهی منتظر و مترصد آند که هر یک از ما بویفا قیام نمائیم و در محبت اسم اعظم تحمل هر بلا و جفا نمائیم. بعضی از یاران رحمانی راحت و آسایش جسمانی خویش را ترک نمودند و در بلاد شهر بشهر بلکه قریه بقریه بنشر نفحات الله پرداختند آن نفوس پاک جان مظهر تحسین ملاً اعلی گشتند روحی لهم الفداء که یچنین موهبت کبری موفق شدند. ایام را بتعب و مشقت کبری گذراندند و انفسرا در هدایت غافلان صرف نمودند.

ای یاران وقت راحت و آسایش نیست و زمان صمت و سکوت نه. عندلیب گلشن وفا را نغمه و الحان بدیع لازم. و طوطی شکر شکن هدی را نطق بلیغ واجب. سراج را نور و شعاع فرض است و نجومرا درخشندگی مستمرّ حتم. دریا را موج باید و طیور را اوج شاید. لثالی را لمعان لازم و ازهار ریاض عرفانرا بوی مشکبار واجب. از فضل حیّ قدیم امید چنانست که کلّ بر آنچه باید و شاید موفق گردیم.

ای احبّای الهی تعالیم الهی مورث حیات ابدیست و سبب روشنائی عالم انسان صلح و صلاح است و محبت و امان. تأسیس آشتی و راستی و دوستی در جهان آفرینش است و واسطه اتحاد و اتفاق و التیام و ارتباط در میان عموم افراد انسان. لهذا باید که اساسی در این جهان نیستی بنهید که سبب هستی بی پایان گردد و علت نورانیت عالم امکان شود. با جمیع امم و ملل عالم در نهایت محبت و مهربانی سلوک و حرکت لازم است و با کافه فرق مختلفه نهایت مودت و مرحمت و مروّت و اعانت و رعایت واجب. هر دردیرا درمان شوید و هر زخمی را مرهم و سبب التیام. هر ضعیفیرا ظهیر گردید و هر فقیریرا معین و دستگیر. هر خائفیرا کھف منیع شوید و هر مضطربیرا ملاذی رفیع. در این مقام ملاحظه و امتیاز هر چند جائز ولی در این کور عظیم محبوب و مقبول چنانست که نظر از حدودات بشر بر داشته شود و یاران مظاهر رحیم و رحمن گردند. و نوع انسانرا خدمت حتی حیوانرا مواظبت نمایند ”و رحمته سبقت کلّ شیء“.

ای یاران الهی از فساد پرهیزید و از نائره فتن احتراز نمائید زیرا جهان سوز است و سبب هدم بنیان الهی در شب و روز. از اهل فساد بکلی کتاره جوئید و جز محبت و اطاعت و صداقت و امانت را افسانه شمرد زیرا بعضی نفوس اغراض مکنونه در دل دارند و بهانه جویند و فتنه اندازند و فسادی بر پا نمایند و بظاهر اظهار

حمیت و آرزوی حریت نمایند. و حال آنکه منویّ ضمیر چیز دیگر است و مقصد دیگر. لهذا احبّای الهی باید از این گونه نفوس و از این قبیل امور بکلی اجتناب کنند اطاعت اولیای امور علی الخصوص اعلی حضرت شهریار موجود کنند زیرا سریر تاجداری امروز بوجود شخص عادل مزین است. و مسند صدارت بوجود دستور مهربانی آراسته. جمیع تعدیّات از اشخاصیست که بظاهر آراسته و باطن کاسته و خویش را در لباس علم در آورده و مانند علّت کابوس بر این ملت مایوس مسلط گشته. جمیعاً بعوائد قدیمه و قواعد سقیمه دعوت می نمایند و مانع عزّت دولت و ترقی ملت هستند. دعا کنید که حیّ قدیر این نفوس را از خواب غفلت بیدار نماید و غمخوار بیچارگان گرداند.

این را بدانید که ترقی ملت منوط بنفوذ و عزّت و قوّت دولت است. و قوّت دولت مشروط بعلوّیت و ثروت و سعادت ملت این دو توأم است بعضی بیخردان را چنان گمان که اگر در نفوذ حکومت خلل و فتوری حاصل شود آسایش و حبور رخ بگشاید نچنانست آنچه نفوذ حکومت عادلّه بیشتر گردد ملت قدم پیشتر نهد "و هذا امر محتوم لا یتردّد فیه الا کلّ جهول و ظلوم" ای احبّای الهی وقت محویت و فناست و هنگام عبودیت و وفا نهایت عروج این عبد مقام بندگی حضرت یزدانست اگر در درگاه عبودیت مقبول گردد. یا حبذا هذه الموهبة الکبری و الا هو مایوس من رحمة الله لهذا عبدالبهاء را نهایت آمال و آرزو چنانست که در این فضا پر و بالی بگشاید و در این میدان بشتابد و از این صهباء نشئه بی منتها یابد. سر مست این جام گردد و از این مدام کام دل و جان طلبد و هر ذکری جز این ذکر محبوب محتوم سبب کمال حزن و اندوه است و علّت شدت اسف و حسرت غیر محدود. از یاران الهی استدعا مینماید که شب و روز بملکوت الهی بزارند و بنالند تا عبودیت اینعبد در آن آستان مقبول افتد.

ای احبّای الهی اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان عبدالبهاء را خواهید براتحاد و اتفاق بینفرائید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر. گلهای یک گلشن گردید و حلقه های یک جوشن. در یک هوی پرواز نمائید و بیک نغمه و آواز ترنم ساز. این سبب سرور ابدیست و راحت قلب و جان سرمدی. این عبد همواره از سرور اهل فتور در خطری عظیم است و در بالای عقیم. امید بقا در ایام معدودی نه و خوف و بیم آن دارم که حصن حصین را از اختلاف جزئی بین احبّاء رخنه عظیم حاصل گردد لهذا الیوم خدمتی اعظم از اتحاد و اتفاق احبّاء نیست. هذا امر مبرور و هذا هو الفوز العظیم و الفیض المبین للمستظّلین فی ظل شجرة الطور.

جناب امین علیه بهاء الله الأبهی از یوم ورود باین بقعه نورا چه در انجمن احبّاء و چه در نزد عبدالبهاء جمیع اوقات را بستایش یاران و محمّدت دوستان گذراند زبان بتوصیف هر یک بگشاد و شرح بسیطی از ثبوت و استقامت احبّاء و اماء الرحمن در بلدان و قری بیان نمود و از این عبد خواهش کرد و بالنیابه از جمیع دوستان الهی جبّین بر عتبه مبارکه نهاد و زیارت نمود و طلب تأیید و توفیق کرد. و علیکم التحیّة و الثناء (ع ع)

